درمکتب امام

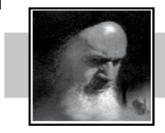

لذت انس با کتاب

زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر خاطره آفرین و پایدار است که همه تلخیها و ناکامی‌های دیگر را از یاد می‌برد. بشریت با همه پیشرفت‌هایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است، و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است.

صحیفه امام؛ ج۲۱؛ ص۱۳۸ | جماران؛ ۲۸ شهریور ۱۳۶۷

ضرورت مهندسی در زندگی

وجود مبارک حضرت امیر(ع) در سی و سومین جمله از کلمات حکیمانه نهج‌البلاغه فرمود: «کُنْ سَمَحاً وَلَا تَکُنْ مُبَذِّراً، وَکُنْ مُقَدِّراً وَلَا تَکُنْ مُقَتِّراً؛ سخاوتمند باش و در این راه اسراف مکن و در زندگی حسابگر باش و سختگیر مباش، این خطاب به نوع نیست که بگوییم به هر انسان دارد خطاب می‌کند. این نامه‌ای است که حضرت برای امام حسن مرقوم فرمود، البته امام حسن الگوست برای جامعه بشری، حضرت به جامعه بشری می‌فرماید: «کُنْ سَمْحاً وَ لَا تَکُنْ مُبَذِّراً». «سَمح» ریشه در سماحت و کرامت دارد؛ یعنی کریمانه زندگی کن! نه اهل افراط باش، نه تفریط. «تبذیر»؛ یعنی بذرافشانی در جای بیجا. یک کشاورز اگر این بذر را روی سنگ بریزد می‌گویند تبذیر کرد؛ یعنی این بذر را بیجا پاشید. یا در شوره‌زار اگر بذر را بپاشد می‌گوید تبذیر کرد؛ یعنی بذرافشانی در محل نامناسب. کاری که نامناسب است و ثمر ندارد می‌گویند تبذیر. همین مثال معروف که در شوره‌زار هرگز میوه‌ای و درختی و زرعی رشد نمی‌کند همین است. در قبال اسراف که تعدّی است، تبذیر در مقابل آن قرار گرفت.

حضرت فرمود کریمانه زندگی کن! هرگز کلامت را، فعلت را، که تخمی نیک است، این را در زمان غیر مناسب، در زمین غیر مناسب نگو! کاری را که الآن نباید بکنی نکن. حرفی را که الآن نباید بزنی نزن. حرفی یا کاری که در فلان مورد نباید اقدام بکنی نکن. فرمود کریمانه کار بکن! بفهم کجا حرف بزنی، چگونه حرف بزنی، چقدر حرف بزنی، با چه کسی حرف بزنی، در چه زمینه کار کنی، دوراندیش باشی؛ چه اینکه در جنگ جمل وقتی پرچم را به دست پسرش ابن حنفیه داد؛ فرمود: تو مجاهدی هستی که با این سرباز روبرو در جنگ هستی، ولی ببین اتاق جنگ کجاست: «اِرْمِ بِبَصَرِکَ أَقْصَی الْقَوْمِ»[1] ببین اتاق جنگ شام از چه کسی دستور می‌رسد و گرنه تو در جنگ جمل الآن با این سرباز داری می‌جنگی. دوراندیش باش، نظربلند باش.

حضرت در ادامه فرمود: «وَ کُنْ مُقَدِّراً وَ لَا تَکُنْ مُقَتِّراً»؛ «تقدیر»؛ یعنی آدم در کار خود مهندس باشد. این کلمه هندسه شاید ده‌ها بار شنیدید که این عربی نیست که ما یک فعل رباعی مجرد داشته باشیم به نام «هَندَسَ، یُهَندِسُ، مُهَندِس». این معرّب است. اصل «هَندَسه» معرّب «اَندَزه» بود، این «اَندَزه» مخفّف اندازه است.این «اَندَزه» تعریب شده، شده «هَندسه». اسم فاعل و اسم مفعول از آن گرفته شده، شده مهندس. در بعضی از روایات ما کلمهٔ مهندس بر ذات اقدس اله اطلاق شده است؛[2] یعنی همه کارهای او بر اساس اصول ریاضی است: «إِنَّا کُلَّ شَیْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»؛[3] یعنی اندازه. نه تقدیم دارد نه تأخیر دارد، نه اضافه دارد؛ نظام، نظام هندسه شده است.فرمود شما مهندسی حرف بزن، مهندسی سخن بگو، مهندسی کتاب بنویس، مهندسی اقتصاد بکن، مهندسی خانواده را اداره بکن و بی‌اندازه کار نکن، گتره حرف نزن، گتره کار نکن. این را در آن نامه معروف به پسرش می‌فرماید. وقتی که به فرزندشان دستور می‌دهد ما هم فرزندان آن حضرت هستیم؛ فرمود: «أَنَا وَ عَلِیٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»[4]. بیایید بچه‌های ما بشوید. ما امیدواریم، مخصوصاً عزیزان طلبه قبول کردند که فرزندان علی‌بن ابیطالب بشوند. آن وقت دستوراتی که حضرت به پسرش امام حسن می‌دهد، به همه فرزندانشان که ـ إن‌شاءالله ـ شامل حال ما هم بشود خواهد فرمود.فرمود: مهندسی زندگی کن، اندازه نگه بدار و بدان که این معنای تلف شدن عمر حقیقت شرعیه نمی‌خواهد؛ یعنی این طور نیست که شما منتظر باشید آیه نازل بشود که «یا أیها الذین آمنوا» اتلاف عمر چیست؟ اتلاف عمر حقیقت شرعیه نمی‌خواهد، آیه نمی‌خواهد. کسی عمر را بدهد و چیزی نگیرد و در آخر عمر دست او خالی باشد! این همه معارف در عالم هست، این همه کارهای خیر در عالم هست دست او خالی باشد، این معنی اتلاف عمر است. این یک مطلب پیچیده و معما نیست که ما بفهمیم آیا داریم عمرمان را تلف می‌کنیم یا نه؟! از چه کسی بپرسیم؟ این اگریک مطلب ریاضی دقیق پیچیده باشد، بله استاد می‌خواهد؛ اما آدم این سرمایه را بدهد و چیزی نگیرد، این تلف عمر است، این خسارت است.

معنی فقیر در قرآن

حضرت درکلمه سی و چهارم نهج‌البلاغه برای فرزندش فرمود: «أَشْرَفُ الْغِنَی تَرْکُ الْمُنَی»؛ بی‌نیازی یک چیز خوبی است. اوّلاً ما بی‌نیاز در عالم نداریم غیر از ذات اقدس اله. موجود یا فقیر است، یا مستغنی، یا غنی. فقیر آن است که نیازمند باشد، یک؛ و چیزی که نیازش را رفع بکند ندارد، دو؛ این دو تا امر که در حقیقت هر دو سلبی هستند، جمعاً می‌شود فقر. زبان عربی چقدر غنی و قوی است که هر مطلبی را که بخواهد بفهماند، با آن واژه‌های ادبی پربار می‌فهماند. ما به فارسی علاقه‌مندیم چون زبان رسمی ماست و فرهنگ ماست؛ اما فارسی کجا و عربی کجا! ما در فارسی به کسی که مال ندارد می‌گوییم گدا. این گدا بار علمی ندارد. اما قرآن که «عربی مبین» است ، به کسی که مال ندارد نمی‌گوید گدا، نمی‌گوید فاقد، نمی‌گوید ندار؛ می‌گوید فقیر. فقیر به معنی گدا و ندار نیست؛ این فقیر بر وزن «فعیل» به معنای مفعول است. فقیر، یعنی کسی که ستون فقرات او شکسته است. جامعه‌ای که گرفتار اقتصاد فلج است فقیر است؛ یعنی قدرت قیام ندارد. چون قرآن مال را ستون فقرات یک ملّت می‌داند. در سوره مبارکه «نساء» فرمود ثروت، مال و امکانات خود را به دست سفها ندهید: «لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَموالَکُمْ»؛[5] چرا؟ برای اینکه: «جَعَلَ اللهُ لَکُمْ قِیاماً»؛ قیام شما، قوام شما، ستون فقرات شما ،مال است. اگر مال نداشته باشید، جیب و کیفتان خالی باشد، گدا نمی‌شوید، می‌شوید فقیر؛ یعنی ستون فقرات شما شکسته است. قدرت ایستادن ندارید، با ستون فقرات شکسته در برابر چه کسی می‌خواهید بایستید ؟ یک ملّت ویلچری چگونه می‌تواند مقاومت کند؟ این کتاب بوسیدنی است؛ در سوره مبارکه «نساء» می‌فرماید: مال، ستون فقرات است، قیام یک ملّت است، قوام یک ملّت است، ملّت اگر بخواهد بایستد باید ستون فقراتش سالم باشد و اگر کسی مال نداشت، چه در سوره «توبه» چه در سایر سور می‌فرماید اینها فقیر هستند.

داشتن امید، نه آرزو و تفاوت این دو

پس فقیر به معنی گدا نیست؛ فقیر یعنی ویلچری.مسکین هم همین طور است. مسکین که به معنی گدا نیست؛ مسکین یعنی کسی که قدرت حرکت ندارد،ساکن است. از امام باقر(ع) رسیده است که زبان عربی را چرا عربی مبین گفتند؟ فرمود: «بِبَیِنُ الْأَلْسُنَ وَ لَا تُبیِنُهُ الْأَلْسُن»؛[6] آن می‌تواند تمام زبان‌های دنیا را ترجمه کند، ولی زبان‌ها نمی‌توانند آن را ترجمه کنند، باید پنج شش تا کلمه کنار هم بگذارند تا این را معنا کنند.

اینجا هم حضرت فرمود که مواظب کار خود باش، مواظب حرف‌هایت باش، بیخود آرزو نکن. فقیر این دو تا سلب را دارد: مال ندارد؛ چیزی که مشکل این بیماری را حلّ کند را هم ندارد، نیاز دارد و چیزی که رفع نیاز کند را ندارد، این می‌شود فقر. «مستغنی»؛ یعنی کسی که محتاج هست، نیازمند هست، ولی چیزی که نیاز او را رفع بکند دارد. غنی آن است که اصلاً فقر ندارد و تنها خداست که غنی است:«أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَی اللهِ وَ اللهُ هُوَ الْغَنِیّ».[7] فرمود اگر شما بخواهید با اخلاق الهی متّصف بشوید:«تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللهِ»،[8] سعی کنید آن چیزی که بوی گدایی می‌دهد، بوی فقر می‌دهد، آن را رها کنید.این طور نباشد مدام آرزو داشته باشید به اینجا یا آنجا برسیدادر بعضی از روایات ائمه(علیهم السلام) فرمودند که: «وَ إِیّاکَ وَ الِاتِّکَالَ عَلَی الْمُنَی فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْکَی»؛[9] ،می‌دانید آرزو سرمایه زن‌های پیر از کارافتاده است. مگر انسان با آرزو زنده است؟! به امید زنده است نه به آرزو. به رجا زنده است نه به تمنّی.آرزو این است که مبادی فراهم نیست، مسائل فراهم نیست، علل فراهم نیست، دل او می‌خواهد فلان چیز را داشته باشد، دل او می‌خواهد به فلان مقام برسد. اما بدون درس و بحث و جان کندن که انسان عالم نمی‌شود. بدون تلاش و کوشش که انسان به جایی نمی‌رسد. در روایات[10] فرمودند مُنیه و آرزو سرمایه زنان پیر از کار افتاده است. «رجاء»؛ یعنی امید که مطلبی دیگر است. «رجاء» برای کسی است که مبادی دارد، منابع دارد، مبانی دارد، دنبال کار راه افتاده، امیدوار هم هست.

فرمود: زنده به امید باشید نه به آرزو. الآن کسی که مزرعه‌ای ندارد کشاورزی نکرده، کشتی نکرده، آبیاری نکرده، این شخص اگر منتظر درآمد خوب باشد، این را می‌گویند آرزو. اما اگر همه کارها را کرده منتظر است بارانی بیاید بازار مناسب داشته باشد، این را می‌گویند امید. آن کسی که مزرعه دارد، کاری کرده، بذرافشانی کرده، آبیاری کرده، او رجا دارد. اما کسی که هیچ کاری نکرده، می‌گویند منیه دارد، تمنّی دارد. فرمود: شریف‌ترین بی‌نیازی این است که انسان خود را از آرزو منزه کند.

بیانات حضرت آیت‌الله جوادی آملی (دام ظله) در جلسه درس اخلاق؛ ۹۷/۸/۳

مرکز اطلاع‌رسانی اسرا

[1]. نهج البلاغه صبحی صالح، نامه۱۱.
[2]. شرح أصول الکافی (صدرا)، ج۳، ص۲۴
[3]. قمر، ۴۹ .
[4]. علل‌الشرائع، ج۱، ص۱۲۷.
[5]. نساء، ۵.
[6]. الکافی(ط ـ الإسلامیة)، ج۲، ص۶۳۲.
[7]. فاطر، ۱۵.
[8]. بحار الأنوار(ط ـ بیروت)، ج۵۸، ص۱۲۹.
[9]. نهج البلاغة صبحی صالح، نامه۳۱.
[10]. بحارالأنوار(ط ـ بیروت)، ج۷۵، ص۹۲.

خوان حکمت روزهای یکشنبه منتشر می‌شود.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

کمیسیون امنیت ملی با تصویب CFT با امنیت کشور بازی نکند

سرویس سیاسی-

قرار است امروز کمیسیون امنیت ملی مجلس به‌اشکالات و ابهامات مطرح شده از سوی شورای نگهبان درباره لایحه CFT بپردازد. لایحه‌ای که به ادعای وزارت خارجه کارش گرفتن بهانه از آمریکاست اما سیاه‌چاله‌ای است که کشور را با مشکلات عدیده و جدی روبه‌رو خواهد کرد.

تصویب لوایح درخواستی FATF آنقدر برای دولت اهمیت دارد که از حدود یک سال گذشته، مجلس را به طور جدی تحت فشار قرار داده است تا این لوایح را به تصویب برساند. مهم‌ترین و خطرناک‌ترین بخش FATF، کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) است که پذیرش آن تبعات خطرناک اقتصادی و امنیتی، از جمله محدودیت در همکاری با گروه‌های مقاومت در منطقه و همچنین دور زدن تحریم‌ها خواهد داشت. این کنوانسیون در خرداد امسال در مجلس مطرح شد، اما به دلیل فضای اعتراضی که در بین مردم و نمایندگان منتقد ایجاد شد، (به خصوص اعتراضاتی که در روز قدس به این لایحه به وجود آمد)، در جلسه روز ۲۰خرداد برای دو ماه مسکوت ماند تا تکلیف مذاکرات ایران با اروپا برای ادامه برجام بدون آمریکا، روشن شود. با وجود اینکه تکلیف این مذاکرات مشخص نشده بود، اما مجلس در تاریخ ۱۵مهر، الحاق به این کنوانسیون را تصویب کرد. پس از تصویب لایحه الحاق به کنوانسیون مذکور، شورای نگهبان به بررسی آن پرداخت و نتیجه بررسی‌های خود را در تاریخ ۶ آبان، به مجلس اعلام کرد.

شورای نگهبان به این لایحه ۲۲ مورد ایراد قانون اساسی و شرع وارد کرده است. درباره این ایرادات، چند نکته وجود دارد:

۱- امکان اعمال حق شرط در زمینه تروریسم وجود ندارد

مهم‌ترین بخشی که در این کنوانسیون وجود دارد، بحث تعریف تروریسم است که مطابق ماده۲ و ماده۶ این کنوانسیون، نمی‌توان اشکال مختلف مبارزات آزادی بخش علیه اشغالگران خارجی (که در منطقه ما تحت عنوان محور مقاومت شناخته می‌شود) را از تروریسم مستثنی کرد. علاوه‌بر این، تعهداتی در بیش از ۱۰ ماده دیگر در این کنوانسیون، مبتنی بر این تعریف مغرضانه از تروریسم داده می‌شود. به عنوان مثال موارد دیگری مبتنی بر همان تعریف مغرضانه از تروریسم، مسئولیت افراد حقوقی را مشخص می‌کند که با اقدام تروریستی ادعایی کنوانسیون، همدستی کرده باشند. بنابراین تعریف مغرضانه کنوانسیون از تروریسم باعث آلوده شدن بیش از ۱۰ ماده از ۲۸ ماده این کنوانسیون شده و در واقع ماده۲ مانند سرچشمه‌ای ناپاک است که مواد دیگر را آلوده کرده است. بخش زیادی از ایرادات شورای نگهبان بر آلودگی مواد مختلف کنوانسیون توسط ماده۲ بوده است. با این شرایط، امکان رفع شدن ایرادات شورای نگهبان و پاک شدن این چشمه و رود، بسیار کم خواهد بود.

اما دولت و مجلس ادعا می‌کنند که برای تعریف تروریسم، حق شرط قائل شده‌اند تا جلوی سوءاستفاده‌ها را بگیرند. در حالی که طبق ماده ۱۹ «کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات ۱۹۶۹» حق شرط، حق تحفظ یا Reservation، درصورتی امکان‌پذیر است که: اولا آن کنوانسیون، حق شرط را منع نکرده باشد، ثانیا فقط در موارد خاصی که کنوانسیون اجازه داده باشد، شرط می‌تواند انجام گیرد، ثالثا شرط یا تحفظ، مخالف هدف و منظور آن کنوانسیون نباشد. با این وجود، مطابق متن کنوانسیون CFT، صرفا در دو مورد می‌توان حق شرط اعمال کرد که عبارتند از: ۱. پذیرش یا عدم پذیرش ۹ کنوانسیون مندرج در پیوست این کنوانسیون، ۲. رجوع یا عدم رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری درصورت بروز اختلافات. بنابراین متن کنوانسیون، هیچ امکانی برای اعمال حق شرط در زمینه تروریسم قائل نشده است.

۲- موضع FATF درباره تعریف تروریسم کاملا مشخص است

موافقین اجرای دستورات FATF درباره مصادیق تروریسم ادعا می‌کنند که تعیین مصادیق در حیطه اختیارات کشور خودمان خواهد بود و تعریف دیگران از تروریسم را نخواهیم پذیرفت. اما حدود یک ماه پیش، دیوید لوئیس، دبیر اجرایی FATF سخنانی را درباره مصادیق تروریسم به زبان آورد که مرور دوباره آن می‌تواند عدم صحت موافقین FATF درباره تعیین مصادیق تروریسم را روشن کند. وی در پاسخ این سؤال که «بعضی از گروه‌ها هستند که بعضی کشورها را تروریستی می‌دانند اما بعضی کشورهای دیگر خیر، درباره آنها چه اتفاقی می‌افتد؟» اظهارداشت: «در مورد ایران چیزی که منتظر آن هستیم و امیدواریم انجام دهد، غیرقانونی کردن تامین مالی تروریسم است و همچنین آن است که استثناهایی که برای گروه‌های مشخصی در نظر گرفته است را بردارد». لوئیس در پاسخ به این سؤال که «اسم گروه‌هایی که می‌گویید چیست»، گفت: «فکر می‌کنم همه می‌دانیم کدام گروه‌ها هستند». وی در واکنش به این نکته که «برای روشن شدن ماجرا برای مخاطبان، اسامی آنها را بگویید» اظهارداشت: «این موضوعی بین ایران و تعداد دیگری از کشورهاست».

در واقع‌اشاره لوئیس به اختلاف ایران و کشورهای غربی پیرامون گروه‌های مقاومت و همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است (که توسط آمریکا هم در رده گروه‌های تروریستی شمرده شده) و نشان می‌دهد رویکرد FATF در این زمینه، دقیقا همان رویکرد غربی‌ها است. کما اینکه در گزارش‌های FATF راجع به کشورهای مختلف مانند بحرین، از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان گروه تروریستی یاد شده است. بنابراین با پذیرش کنوانسیون CFT باید تعریف و مصادیق تروریسم آمریکایی را به رسمیت شناخته و در نتیجه دست از حمایت گروه‌های مقاومت برداشته و حتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را محدود و تحریم کنیم. کاری که البته برخی بانک‌ها پیش از این آغاز کرده‌اند و برای نمونه می‌توان به بخشنامه بانک کشاورزی در این خصوص و هشدار درباره لزوم تبعیت از لیست تحریمی آمریکا در فعالیت‌های بانکی‌اشاره کرد!

۳- اقدام عجیب و غیرکارشناسی کمیسیون امنیت ملی

در تبصره‌ای که مجلس برای لایحه الحاق به کنوانسیون CFT قائل شده است، یک مورد عجیب وجود دارد و آن هم عبارت «لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی FATF» است. مطابق این تبصره، «دولت صرفا پس از خارج شدن جمهوری اسلامی ایران از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی FATF می‌تواند سند الحاق را نزد امین اسناد تودیع نماید». کمیسیون امنیت ملی مجلس در حالی از عبارت «لیست سیاه FATF» استفاده کرده است که در هیچ یک از اسناد رسمی و حقوقی این نهاد بین‌الدولی، عبارت مذکور مشاهده نمی‌شود. در حقیقت لیست سیاه، اصطلاحی است که در فضای رسانه‌ای برای کشورهایی که توسط FATF تحت «اقدامات متقابل» قرار می‌گیرند، استفاده می‌شود. استفاده این اصطلاح رسانه‌ای در یک متن حقوقی، کار بسیار عجیبی بود که نشان می‌دهد برخلاف ادعای دولت و کمیسیون امنیت ملی مجلس، هنوز بر روی لوایح مربوط به FATF بررسی‌های کارشناسی انجام نشده است و این مسئله با همین نگاه‌های سطحی و سیاسی پیگیری شده است.

۴- خارج کردن از دستور، آبرومندانه‌ترین اقدام کمیسیون امنیت ملی

مسکوت گذاشتن دو ماهه این لایحه به دلیل تعیین تکلیف مذاکرات برجامی با اروپا بود. حال در شرایطی که اروپا هیچ تضمینی برای حفظ منافع اقتصادی ایران نداده و کانال ویژه مالی اروپا (SPV)، نه تنها در عمل اجرایی نشده، بلکه حتی به صورت نمادین هم (که قرار بود در ۱۴ آبان افتتاح نمادین شود)، از آن خبری نیست، چه جای اعطای امتیازات جدید و ایجاد تعهدات سنگین در قالب FATF است؟! در شرایطی که آمریکا حدود ۷۰۰ فرد و نهاد ایرانی را وارد لیست SDN کرده است، FATF بناست چه مشکلی را به چه صورت حل کند؟ آیا با تصویب این لوایح، شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی که از همکاری با ایران انصراف داده اند، چشم خود را بر تحریم‌های آمریکا می‌بندند؟ امروز کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، ایرادات شورای نگهبان به لایحه الحاق به کنوانسیون CFT را بررسی می‌کند، مطابق رفتاری که در این چند ماه از سوی اروپا و آمریکا سر زده و مذاکرات اروپا بی‌نتیجه مانده است، منطقی‌ترین و آبرومندانه‌ترین اقدام از سوی این کمیسیون، خارج کردن آن از دستور است.

سایت اصلاح‌طلب انتخاب:

آقای خاتمی! بد نیست کمی هم با مردم صادق باشید

سایت اصلاح‌طلب «انتخاب» دیروز در گزارشی انتقادی نسبت به عملکرد پدرخوانده‌های اصلاحاتی اعتراض کرد و خطاب به رئیس‌دولت اصلاحات نوشت: «اندکی صداقت با مردم بد نیست»

این روزها رسانه‌های مختلفی از طیف موسوم به اصلاح‌طلب به نقد عملکرد جریان خود پرداخته‌اند. سایت اصلاح‌طلب «انتخاب» نیز در همین راستا دیروز گزارشی انتقادی را در مورد نحوه عملکرد سران اصلاح‌طلب و نمایندگان این جریان در مجلس و شورای شهر بر روی خروجی خود قرار داد که در میان چند تیتر آن این سطر دیده می‌شود که خطاب به برادران خاتمی نوشته است: «نمی‌شود... هم منتقد حاکمیت باشید، هم نقش اول بستن لیست‌های انتخاباتی، انتخاب شهردار و حذف چهره‌های مردمی [باشید] که حاضر به امتیازدهی به پدرخواندگان خودخوانده اصلاح‌طلب نیستند/ اندکی صداقت با مردم، بد نیست...»

متن منتشر شده در سایت انتخاب به این شرح است: «برخی تصمیمات و رفتارهای سید محمد خاتمی و نیز اظهارات اخیر محمدرضا خاتمی تاثیراتی بر جریان اصلاحات گذاشته که نمی‌توان آن را از اوضاع کنونی این جریان و عدم توفیق این جریان در عمل به وعده‌های خود به مردم جدا دانست.

به گزارش «انتخاب»، عملکرد اصلاح‌طلبان در طول ۵ سال اخیر که با گرفتن با رای مردم بار دیگر به صحنه قدرت بازگشته‌اند، چندان تعریفی ندارد و چه بسا با ادامه این وضعیت بار دیگر شاهد رویگردانی مردم از اصلاح‌طلبان و قهر با دعوت آنها به حضور در پای صندوق های رای باشیم.

مسئولیت اصلاح‌طلبان در ایجاد وضعیت فعلی

دولت حسن روحانی و سهم زیادی از عملکرد آن در نتیجه انتخابات سال ۹۲، قطعا به پای اصلاح‌طلبان نوشته خواهد شد؛ حتی اگر اصلاح‌طلبان موضوع عدم حضور با کاندیدای اختصاصی خود و نیز در اختیار نداشتن پست‌های کلیدی کابینه را پیش بکشند، افکار عمومی رای خود را به خاطر دعوت این جریان سیاسی دانسته و طبیعتا از آنها انتظار پاسخگویی دارد. اما فارغ از دولت روحانی، اصلاح‌طلبان در دو انتخابات بعدی در سال‌های ۹۴ و ۹۶، درصد بسیار بالایی از کرسی‌های مجلس و شوراهای شهر در کلانشهرها از جمله مهم‌ترین و نماد شوراهای شهر در کشور یعنی تهران را از آن خود کردند. با این وجود نتیجه عملکرد مجلس و شورای شهر چندان مطلوب نیست.

مسامحه مجلس و بطور مشخص درصد زیادی از نمایندگان اصلاح‌طلب با مسئولان دولتی با وجود عملکرد ضعیف آنها، عدم استفاده صحیح از ابزارهای نظارتی از جمله استیضاح، و برخی رای اعتمادهای عجیب به اعضای کابینه نمونه‌هایی از کارنامه فراکسیون امید است. کافی است به همین نمونه آخر توجه کنیم.

واهمه از ورود یک اصولگرا؛ در شورای‌شهر چه خبر است؟!

محمد شریعتمداری، وزیر پیشین صنعت که استیضاح او ۵۰ امضا داشت، از رفتن به جلسه بررسی استیضاح خود در کمیسیون انصراف داد و پس از استعفا، برای یک وزارتخانه عریض و طویل تر یعنی وزارت کار از همان مجلسی که در پی استیضاحش بود رای اعتماد گرفت؛ قابل تامل اینکه فراکسیون امید از او حمایت کرده بود.

در شورای شهر هم وضعیت به همین صورت است؛ سومین شهردار تهران در حالی انتخاب شده که ممکن است در روزهای آتی با عدم تایید او، این قصه همچنان ادامه داشته باشد. در این بین، سهم خواهی غیرقابل تصور برخی احزاب اصلاح‌طلب دارای نماینده در شورا، بی‌تردیدی یکی از عوامل اصلی این اتفاق است. این سهم خواهی و لجبازی، باعث شده تا آنها حاضر نشوند حتی برای رفع مشکل شهردار، بپذیرند که یکی از اعضای شورا از آن خارج شده و به عنوان شهردار انتخاب شود؛ بهانه آنها در به هم خوردن یکدستی ترکیب شورا و ورود یک اصولگرا به جمع یک شورای ۲۱ نفره، ناگفته غیرمنطقی و بیشتر شبیه یک لجبازی است تا دلیل.

نتیجه این عملکرد آن شده که هر روز نگرانی از تکرار سرنوشت شورای شهر اول بیشتر و بیشتر شود؛ شورایی که با مشکلاتی کم و بیش مشابه روبرو شد و در نهایت به تعطیلی کشیده شد تا مردم در انتخابات دور بعد، بر خلاف تصور اصلاح‌طلبان با صندوق رای قهر کرده و یک شورای یکدست اصولگرا را تشکیل دهند.

تردیدی نیست که [در] همه این مشکلات نقش تصمیم گیران اصلی جریان اصلاح‌طلب غیرقابل انکار است. اما آنها به نظر می‌رسد تمایل چندانی به پذیرش مسئولیت ندارند...

انتخابات ۹۲و۹۶: خط بطلانی بر کج‌اندیشی

اظهارات محمدرضا خاتمی آن هم ۵ سال پس از انتخاب گزینه مورد حمایت اصلاح‌طلبان در ریاست جمهوری و نیز پس از به دست گرفتن تمام کرسی‌های شورای شهر تهران و درصد زیادی از کرسی‌های مجلس، به راحتی می‌تواند به شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت تعبیر شود. افکار عمومی حق دارد این پرسش را مطرح کند که اگر فکر می‌کردید معرفی کاندیدا و شرکت در انتخابات، نتیجه مطلوبی ندارد، چرا اکنون و در روزهایی که مردم به دعوت شما به کاندیداهایتان رای داده‌اند و باید پاسخگو باشید، به چنین نتیجه‌ای رسیده اید؟

جالب اینجاست که اظهارات رضا خاتمی در سال ۹۱ درست عکس اظهارات فعلی اوست. او در سال ۹۱ و کمی قبل از انتخابات سال ۹۲ در توضیح لزوم شرکت اصلاح‌طلبان در انتخابات حتی از کاندیداهای اصلی و حداکثری هم صرفنظر کرده و گفته بود: «وقتی ما این را می‌گوییم برخی‌اشتباه می‌کنند. فکر می‌کنند که ما می‌گوییم مثلا بنده رضا خاتمی را بیایید اجازه دهید نماینده مجلس شود. من که این را نمی‌گویم . ما می‌آییم تضمین می‌کنیم که مثلا اگر نسبت به این پانصد نفر، هزار نفر حساسیت وجود دارد ما قول می‌دهیم این‌ها در انتخابات شرکت نکنند. اما بقیه را بگذارید بیایند، یک انتخابات آزاد برگزار شود و هر کسی که از صندوق بیاید بیرون این امنیت ملی را تضمین می‌کند.»

کارنامه عملکرد اصلاح‌طلبان بدون تردید با تصمیمات و نوع عملکرد سیدمحمد خاتمی نیز بستگی مستقیم دارد. خاتمی به عنوان محور فعالیت‌های اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۲ و ۹۴ به همراه آیت‌الله هاشمی و در انتخابات ۹۶ به تنهایی، نقش اصلی و تعیین کننده در رای آوری این جریان سیاسی داشته و طبیعتا مسئولیت آن را نیز براساس مشی و رفتار سیاسی که از او سراغ داریم بر عهده خواهد گرفت.

مخالفت خاتمی با شهردار شدن محسن هاشمی!

در این بین، عملکرد فراکسیون امید در مجلس و نیز اعضای شورای شهر، خواه‌ناخواه به او نسبت داده می‌شود و حتی بسیاری از اعضای این دو نهاد، تصمیمات خود را با نظر خاتمی منطبق می‌کنند. در این میان اعضای شورای شهر، تصمیمات و انتخاب های خود در مسائل حیاتی از جمله انتخاب شهردار را به شخص خاتمی نسبت داده و می‌دهند. اینکه گفته می‌شود خاتمی با شهردار شدن یکی از اعضای شورا مخالفت کرده و یا در انتصاب‌های شهرداری نظرات خاصی دارد، همگی موضوعاتی است که نیاز به روشن شدن و تعیین تکلیف دارد. اگر چنین باشد، نمی‌تواند انتظار داشت هم ژست اپوزیسیونی خود را حفظ کنیم و هم به صورت مستقیم در روند سیاسی از جمله شورای شهر و انتخاب شهردار دخالت داشته باشیم.سکوت در برابر امتیازدهی به پدرخواندگان خودخوانده اصلاح‌طلب موضوعی نیست که براحتی برای افکار عمومی قابل توجیه باشد. اگر چنین شبهه‌ای وجود دارد، بی‌تردید، راهکار آن عمل به یکی از شعارهای اصلاح‌طلبان اندکی یعنی «پاسخگویی» و شفافیت است.

«تَکرار» بیصداقتی آفت است

برادران عزیز خاتمی باید بدانند نمی‌توان هم ژست اپوزوسیون گرفت، هم لذت پوزوسیون را چشید! نمی‌شود هم منتقد حاکمیت بود، هم نقش اول بستن لیست های انتخاباتی، انتخاب شهردار بود و بر حذف چهره های مردمی که حاضر به امتیازدهی به پدرخواندگان خودخوانده اصلاح‌طلب نیستند اصرار ورزید! اندکی صداقت با مردم، بد نیست؛ «توصیه به راستگویی» تنها برای استفاده در سخنرانی های زیبا نیست. بی‌شک «تَکرار» بی‌صداقتی، آفتیست که گریبان همه را می گیرد.

به نظر می‌رسد شفافیت و صداقت با مردم و رفع هرگونه شبهه، مهم‌ترین کاری است که سران جریان اصلاح‌طلب باید به آن همت گمارند و طبیعتا در این راه، شخص خاتمی می‌تواند پیش قدم شده و چنین روندی را در میان اصلاح‌طلبان جا بیندازد؛ در غیر این صورت با عملکرد فعلی اصلاح‌طلبان، بعید نیست مردم دیگر در سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ و حتی بعد از آن، قید پای صندوق آمدن با یک «تکرار» را بزنند.»

دفاع ناشیانه شهرداری تهران از اظهارات رئیسی که هنوز نیامده

در حالی که فیلم منتشر شده از شهردار منتخب تهران و تاکید وی بر لزوم استفاده از خارجی‌ها برای سامان دادن به امورات شهری با واکنش منتقدان روبرو شده بود، روابط عمومی شهرداری در توجیه این اظهارات دسته گل به آب داد.

پس از آنکه در روز ۲۲ آبان اعضای شورای شهر تهران پیروز حناچی را به عنوان شهردار تهران برگزیدند، فیلمی منتشر شد که حناچی در آن با ذکر مثالی بر لزوم استفاده از متخصصان خارجی برای اداره بهتر شهر تاکید می‌کند.

حناچی در این فیلم در بخشی از سخنان خود می‌گوید: «ما برای تیم ملی مربی خارجی می‌گیریم، و مگر شهرداری از تیم ملی کمتر است، لذا ما باید قبول کنیم که خیلی از تجربیات را نداریم و نیازمند آنها هستیم.»

پس از آنکه این اظهارات با انتقادات زیادی روبرو شد، مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران طی اطلاعیه‌ای در واکنش به این تصاویر اعلام کرد که این فیلم در حاشیه انتخابات دانشکده فنی دانشگاه تهران و در زمان معاونت معماری و شهرسازی وی ضبط شده و حناچی در آن بر انتقال دانش و تجربیات کارشناسان خارجی به کشور پرداخته است.

اما تصاویر موجود در محل سخنرانی حناچی نشان می‌داد که سخنرانی جنجالی او بر خلاف ادعای روابط عمومی شهرداری، روز شنبه ۱۹ آبان جاری و در جریان نشست پرسش و پاسخ از نامزدهای شهرداری تهران در دانشکده فنی دانشگاه تهران ایراد شده است. در این نشست که از پنج نامزد شهرداری تهران دعوت شده بود، تنها دو نامزد حضور یافتند که «حناچی» سخنرانی کرد و «کشت پور» هم ضمن سخنرانی به چند پرسش پاسخ داد.

البته این دفاع عجیب از حناچی در شرایطی است که وی هنوز معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران است و هنوز حکم او به عنوان شهردار صادر نشده است.

اما پیروز حناچی در واکنش به انتقادات از سخنانش، در توییتر خود نوشت: «اقتضای شفافیت و پاسخگویی همین گفت و شنودهاست، بسیار خوشحالم از حساسیت و عکس‌العمل مخاطبان نسبت به گفته‌ها و نوشته هایم. امیدوارم این جریان سازنده که تقویت‌کننده نظارت عمومی و لازمه مدیریت کارآمد و پاسخگوست بطور جدی و مستمر ادامه یابد.» این توضیحات البته بر خلاف اطلاعیه شهرداری دارای توجیه عجیب و غریب نیست و تلویحا نشان از پذیرش این صحبت‌ها و توجه به انتقادات دارد.

سخنانی برخواسته از یک تفکر آشنا

اما نکته مهم این است که آنچه در این سخنان عجیب نهفته برخواسته از یک نوع تفکر و سیستم فکری است که به جای نگاه به داخل بیشتر توجهش به خارج است. جناب حناچی که خود شخصیت دانشگاهی است می‌دانند که انبوهی از جوان